

## عدالت یک بار دیگر انکار می‌شود!

نوشته‌ی: نیکول کالسن و الن ماس

ترجمه‌ی: هومن کاسپی

دارن ویلسون از اتهام قتل تبرئه شده است و [بدین ترتیب] نظام ناعادلانه‌ی آمریکا یک بار دیگر این پیغام را فرستاد که جان سیاه‌پوستان اهمیتی ندارد.

در ۲۴ نوامبر، پاسی از شب گذشته، دادستان شهر سن لوییس، رابرت مک کولاج به سمت میکروفون رفت و اعلام کرد که هیئت منصفه از محکوم کردن مأمور پلیس، فرگوسن میسوری، به هر گونه اتهامی برای قتل مایک براون ۱۸ ساله در ۹ آگوست خودداری ورزیده است.

این نتیجه‌ای بود که میلیون‌ها نفر انتظارش را داشتند، اما به هر حال تکان‌دهنده بود: یک پلیس سفید که با شلیک بیش از دوازده گلوله به یک نوجوان غیرمسلح آفریقایی-آمریکایی، او را کشته بود، اینک نه تنها از جنگال عدالت می‌گریخت، بلکه به عنوان یک «قربانی» به تصویر کشیده می‌شد.

بعد از سپری شدن روزهایی که تأخیر در اعلام تصمیم هیئت منصفه تنش‌های فزآینده‌ای را برانگیخته بود، مردم در شهر فرگوسن و در سراسر کشور در یک اعتراض شدید به خروش درآمدند. در همان زمانی که باراک اوباما، به دنبال [دادستان] مک کولاج، بیانیه‌ی خود برای دعوت به آرامش را در رسانه‌های عمومی قرائت می‌کرد، پلیس شهر فرگوسن در حال شلیک نخستین گلوله‌های گاز اشک‌آور و نارنجک‌های دودزا بود.

رسانه‌ها در حالی برای «خشونت» [جاری] در فرگوسن، مانند درهم شکستن یک ماشین پلیس یا به آتش کشیده شدن کسب و کارهای محلی تأسف می‌خورند که از خشونت‌هایی که آفریقایی-آمریکایی‌های ساکن این شهر به طور روزانه متحمل می‌شوند کوچک‌ترین شناختی ندارند؛ خواه خشونت مستقیم از سوی پلیس نژادپرست، و خواه خشونت غیرمستقیم در نتیجه‌ی فقر و بیکاری همه‌گیر.

توری راسل، از بنیان‌گذاران «دست‌ها بالا، متحد<sup>۱</sup>»، در [مصاحبه‌ای با سی.ان.ان.](#) در پاسخ به این پرسش که آیا بعد از رأی دادگاه «خواستار آرامش» است یا نه، به سختی واکنش نشان داد. راسل پاسخ داد: من خواهان [برقراری] آرامش هستم. من خواهان آرامش برای مأمورین پلیس هستم که به من اسپری فلفل نپاشند، گاز اشک‌آور به طرفم پرتاب نکنند، با چماق مرا نکوبند و گلوله‌های پلاستیکی به سمتم شلیک نکنند. ... مردم احتیاج دارند که پلیس را با اصرار وادار به آرامش کنند. از آزار کودکان و صدمه‌زدن به آنان دست بردارید! به تروماتیزه کردن جماعت‌های ما پایان دهید!

کرکس‌های رسانه‌ای دوربین‌های‌شان را در فرگوسن قطار کرده بودند، اما بعد از این که تصمیم هیئت منصفه در شیکاگو اعلام شد، تظاهرات‌های خشمگینی در اطراف و اکناف کشور وجود داشت، صداها

تظاهرکننده بزرگراه ساحلی کنار دریاچه‌ی میشیگان<sup>۲</sup> را تصرف کردند. در اوکلند، کالیفرنیا، در بزرگ‌ترین اعتراض در منطقه‌ی خلیج، بیشتر از ۱۰۰۰ نفر در تظاهرات همبستگی که با شتاب سازمان داده شده بود، شرکت کردند، که پس از راهپیمایی در بخش مرکزی شهر، بزرگراه بین لیالتی شماره‌ی ۵۸۰ (یکی از راه‌های اصلی ورود به شهر) را مسدود کردند. تقریباً هزار نفر مسیرشان را به سمت میدان تایمز تغییر دادند.

امروز و در روزهای آتی تظاهرات‌های بیشتری وجود خواهد داشت. ما نیاز داریم اطمینان حاصل کنیم که همه‌ی کسانی که از قتل مایک براون به خشم آمده و از شورش فرگوسن علیه نژادپرستی و خشونت پلیس الهام گرفته‌اند، صدای‌شان را بلند می‌کنند و یک پیغام را می‌فرستند: ما مایک براون را فراموش نخواهیم کرد و مبارزه‌ی ما برای عدالت ادامه خواهد داشت.

مک کولاج در سخنرانی‌اش در دوشنبه‌ی گذشته، نه مانند یک دادستان، بلکه مثل یک وکیل مدافع به نفع دارن ویلسون عمل کرد.

مک کولاج سخنان‌اش را با شکایت در مورد گمانه زنی‌های ظاهراً «غیردقیق» در رسانه‌های اجتماعی آغاز کرد؛ او از «شرایط آزمون و خطا» سخن گفت که مأمورین اجرای قانون مجبور بودند تحت آن تحقیقات‌شان را پیش ببرند، و نیز به «نگرانی بی اساس، اما در حال رشد» که تحقیقات کامل یا منصفانه نخواهد بود، اشاره کرد. او سپس اعتبار شاهدین متعدد قتل مایک براون را زیرسوال برد، و [آشکارا] به بی‌راهه رفت تا هر روایتی که با روایت ویلسون فرق دارد را لکه‌دار و بی‌اعتبار کند، در حالی که [هم‌زمان] حرف آن‌هایی را که داعیه‌ی ویلسون را تأیید می‌کردند برجسته می‌کرد.

همه‌ی این‌ها برای آن بود که این ادعای مهمل را بقبولاند که ویلسون تحت حمله‌ی مایک براون قرار گرفته و جان خود را در خطر دیده بود.

طبق داستانی که ویلسون و «وکیل»‌اش مک کولاج می‌گویند، براون غیرمسلح به دلیل راه رفتن در وسط خیابان از سوی پلیس متوقف شد و در عرض ۱۵ ثانیه یا در این حدود شروع کرد به مشت زدن به یک مامور پلیس. در خلال این کشمکش براون بعد از اصابت دو گلوله، خودش را آزاد کرد و از دست ویلسون فرار کرد، اما سپس به طور توضیح‌ناپذیری برگشت و به سوی افسر پلیس «یورش برد»، و او را مجبور کرد تا رگباری از گلوله‌ها را شلیک کند تا وی را متوقف سازد. براون، که اکنون نیم دوجین گلوله خورده بود، دوباره به سوی ویلسون حمله‌ور شد، و برای پلیس چاره‌ای جز شلیک به قصد کشتن او باقی نگذاشت.

در کل، [توجیهات] دفتر مک کولاج به طور مشخص توضیحی برای فهم این که چرا شواهد از اتهام حمایت می‌کنند، ارائه می‌کند و یک هیئت منصفه [بی‌طرف] را به سمت صدور یک کیفرخواست سوق می‌دهد؛ اگرچه، نه این بار. مک کولاج خود هیچ اتهامی را [علیه افسر پلیس] توصیه نکرد؛ او اساساً با نادیده‌گرفتن هر قطعه‌ای از مستندات فیزیکی و گواهی‌های شاهدین، تصمیم‌گیری دربارهِ آن‌ها را به گردن هیئت منصفه انداخت. این نشانه‌ی آشکاری بود از این که دادستان می‌کوشید داستان‌اش را از هر مسئولیتی در قبال مجازات احتمالی دارن ویلسون پاک کند.

مک کولاج در کنفرانس مطبوعاتی مقدس‌نمایانه‌ی خویش، اعلام کرد که هیچ انگشت اتهامی نباید به

2. Lake shore drive

خاطر «نارضایتی شدید عمومی یا مصلحت سیاسی» [به سمت یک بی‌گناه] نشانه رود. این حرف‌ها را بلید به آن پنج تن جوانی گفت که اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ در پرونده‌ی «دونده‌ی سنترال پارک ۳» دستگیر شدند؛ جوانان رنگین پوستی که به خاطر یک جرم احساساتی و به واسطه‌ی غلبه‌ی فضای نژادپرستانه‌ی (لینچ-محور) در نیویورک آن زمان روانه‌ی زندان شدند.

از طرف دیگر، پرونده‌هایی وجود دارند که به صلاح دادستان است تا بر اجرای قانون در مورد آن‌ها سرپوش بگذارد؛ امری که بنا بر [گزارش ماه سپتامبر دانا میلانک](#) در [واشنگتن پست](#)، مک کولاج تجربه‌هایی در مورد آن دارد:

در طی تصدی [۲۳ ساله‌ی مک کولاج]، حداقل یک دوجین از شلیک‌های مرگبار توسط پلیس در حوزه‌ی قضایی وی وجود داشته است (تقریباً ۹۰ منطقه‌ی شهری در کشور، به جز خود سن-لوییس)، و احتمالاً بسیار بیشتر از آن. اما دفتر مک کولاج حتی یک شلیک پلیس را هم در تمام آن سال‌ها محکوم نکرده است. حداقل چهار بار او شواهدی به هیئت منصفه ارائه کرده است؛ اما مگر نمی‌دانید؟ هیچ کیفرخواستی دریافت نکرد.

وقتی این واقعیت را در نظر بگیریم که، [بر طبق آمار دولتی](#)، دادستان‌های ایالات متحده در ۹۹.۹۹۹۹۳۴ درصد از پیگردهای قانونی انجام شده در سال ۲۰۱۰ در صدور کیفرخواست از سوی هیئت منصفه‌ها موفق بوده‌اند، مشکل مک کولاج در برگرداندن رای هیئت منصفه علیه پلیس‌ها، چیزی بیشتر از بدشانسی به نظر می‌آید.

اینک که تصمیم هیئت منصفه در پرونده‌ی براون اعلام شده است، هنوز مشخص نیست حالا تشکل‌های سیاسی چه واکنش و چه نوع لحنی اتخاذ خواهند کرد.

از طرف دیگر، نژادپرستان تمسخرکننده، مانند شهردار سابق نیویورک سیتی، رودولف جولیان، خوشحال خواهند شد که بیشتر در [کار] سرزنش قربانی شرکت کنند. جولیان در برنامه‌ی تلویزیونی «دیدار با مطبوعات»<sup>۴</sup>، که به همراه مفسر سیاه‌پوست، مایکل اریک دایسن در آن شرکت داشت، به اریک دایسن به خاطر اشاره‌ی ناکافی به جنایت‌های سیاهان علیه سیاهان حمله کرد. جولیان اعلام کرد: «اگر شما در حال کشتن یک‌دیگر نبودید، مأمورین پلیس سفیدپوست [هم] آن‌جا نمی‌بودند.»

در این میان، درخواست برای عدم خشونت و شکیبایی، در میان لیبرال‌ها همچون «اسم شب» بوده است. از جمله برای باراک اوباما، که به دنبال نمایش ننگین مک کولاج، در یک کنفرانس مطبوعاتی ظاهر شد، تا فراخوانش به آرامش را تکرار کند.

اوباما چندین واقعیت را مطرح کرد که رسانه‌های جریان اصلی باید آن‌ها را هر چند وقت یکبار تکرار کنند. اوباما تصدیق کرد که بعد از چند دهه جشن‌گرفتن پیشرفت جامعه‌ی آمریکا در کنار زدن مناسبات نژادپرستانه، «این مساله همچنین حقیقت دارد که هنوز مشکلاتی وجود دارند؛ و این که مردم رنگین‌پوست این مشکلات را تنها از خودشان در نمی‌آورند؛ و این که چنین به نظر می‌رسد که قانون نیز اغلب گویی با یک اسلوب تبعیض‌آمیز اعمال می‌شود.»

3. [Central Park Jogger](#)

4. Meet the Press

اما برداشت عمده‌ی رسانه‌ها از سخنرانی اوباما بی‌گمان همان چیزی بود که رئیس‌جمهور قصد تأکید بر آن را داشت. اوباما اظهار داشت: «هرگز توجیهی برای خشونت وجود ندارد». او در حالی که صدای غالب مطبوعات را بازتاب می‌داد بر این نکته تأکید کرد که در عین این که اعتراض صلح‌آمیز باید محترم داشته شود، هیچ کس نباید «بطری پرتاب کند» یا «به اموال آسیب برساند».

با این وجود، بر سطح خیابان‌های فرگوسن هیچ نشانه‌ای حاکی از اینکه پلیس یا سیاستمداران هم درک می‌کردند که «هرگز توجیهی برای خشونت وجود ندارد»، وجود نداشت.

یک هفته‌ی تمام پیش از اعلام تصمیم هیئت منصفه، جی نیکسون شهردار «دموکرات» شهر میسوری برقراری یک «وضعیت اضطراری» را در این شهر اعلام کرد. او در همان حال، گارد ملی را به امید خفه کردن انفجار خشم دیگری، مانند آن چه درست پس از قتل مایک براون اتفاق افتاد، بسیج می‌کرد؛ در حالی که این تمهیدات، فقط وقوع چنین انفجاری را تضمین می‌کرد.

هیچ تعجبی نداشت وقتی کنفرانس مطبوعاتی مک کولاج بار دیگر درگیری‌هایی با پلیس و ابرهائی از گاز اشک آور را در خیابان‌های فرگوسن به دنبال داشت.

نکته‌ی اصلی که در تمام یاهوسرایی‌های رسانه‌ها در شب گذشته و برای هفته‌های طولانی قبل از آن از نظر دور داشته شده، بسیار ساده است: مردمی که زیر چکمه‌ی وحشی‌گری پلیس و نژادپرستی رنج می‌برند حق دارند عصبانی باشند.

آن‌ها باید خشمگین باشند وقتی یک افسر پلیس سفیدپوست اسلحه‌اش را به سمت یک نوجوان سیاه پوست غیرمسلح نشانه می‌رود، و حتی دستگیر نمی‌شود، بسیار کم‌تر تحت تعقیب و محاکمه قرار می‌گیرد. آن‌ها باید از دادستانی که به وقت محکوم کردن پلیس‌های قاتل، پرونده‌ای را برای دفاع [از آنان] اقامه می‌کند خشمگین بشوند. آن‌ها باید از سرکوب بی‌رحمانه‌ی مخالفت مسالمت‌آمیز و قلع و قمع معترضین به دست دولت، تنها به صرف استفاده از حقوقشان، خشمگین شوند.

و چون آن‌ها بعد از این که مایک براون در خیابان‌ها به ضرب گلوله کشته شد در اعتراض‌ها به فروش درآمدند، ممکن نیست که هیچ کس اسم فرگوسن را در سال‌های آتی فراموش کند. قتل یک نوجوان غیرمسلح به دست پلیس، و به خصوص قیام توده‌ای در اعتراض علیه آن، شیوه‌ی تفکر میلیون‌ها نفر از مردم در مورد نژادپرستی و پلیس را تغییر داده است. و نسل جدیدی را که مصمم به انجام کاری علیه نژادپرستی است، رادیکالیزه کرده است. گواه این امر، تظاهرات‌های همبستگی‌ای بود که پس از اعلام تصمیم هیئت منصفه، در سرتاسر ایالات متحده رخ داد.

اعتراضاتی در اطراف ناحیه‌ی خلیج وجود داشت، اما بزرگ‌ترین‌شان در اوکلند بود، یعنی در زادگاه اسکار گران<sup>۵</sup>؛ که در یک سکوی قطار بارت<sup>۶</sup> در روز سال‌نوی ۲۰۰۹ به قتل رسید. بیشتر از ۱۰۰۰ نفر، از جمله انبوهی از دانشجویان دانشگاه برکلی کالیفرنیا، جایی که مبارزه‌ای علیه افزایش شهریه‌ها در آن جریان دارد، از مرکز شهر راه‌پیمایی کردند، در حالی که شعار می‌دادند: «فرگوسن، ما از تو پشتیبانی می‌کنیم!»

در شیکاگو به‌رغم هوای بسیار سرد، صدها نفر از مردم جمع شدند، در حالی که بزرگراه ساحلی کنار

5. Oscar Grant

6. BART train

دریاچه‌ی میشیگان را اشغال کرده و شعار می دادند: «دست‌ها بالا، شلیک نکنید!». در شهر نیویورک، صدها نفر از مردم ساعت‌ها پیش از این که تصمیم هیئت منصفه اعلام شود، در «میدان اتحاد» جمع شده بودند.

البته، تظاهرات‌های اعتراضی در خود شهر فرگوسن خشمگین‌تر بوده‌اند. هنگامی که برخی از معترضین گویا پنجره‌های یک کروزر خودروی پلیس را شکستند و بعد آن را به آتش کشیدند، دسته‌ی به هم فشرده‌ای از پلیس ضدشورش آن‌ها را محاصره کرد، در حالی که سلاح‌هایی شبیه تفنگ‌های ساچمه‌ای را بدون نشانه‌روی [به حالت تهدید آمیز] به سوی تظاهرکنندگان گرفته بودند.

والدین مایک براون در بیانیه‌ای اعلام کردند: «ما عمیقاً ناامید شدیم که قاتل فرزندمان با عواقب اعمالش مواجه نخواهد شد. ... در عین حال که درک می‌کنیم که بسیاری از دیگران نیز در درد ما شریک‌اند، ما از شما می‌خواهیم که خشم و سرخوردگی‌تان را به سوی شیوه‌هایی که تغییر مثبتی ایجاد خواهد کرد هدایت کنید. ما نیاز داریم در کنار کار کنیم تا نظامی را که اجازه داد چنین اتفاقی بیافتد اصلاح کنیم.

در روزها و هفته‌هایی که از قتل مایک براون سپری شده است، بارقه‌هایی از آن تغییر مثبت هم اکنون دیده شده است: در میان آن‌هایی که به فرگوسن و سن لوییس آمدند تا علیه نژادپرستی و خشونت پلیس دست به عمل بزنند؛ آن‌ها شرکت‌کنندگان در مبارزه‌ای بودند که فراموش نخواهد شد.

\* \* \*

منبع: متن فوق ترجمه‌ای است از:

### **Justice denied yet again!**

by: Nicole Colson & Alan Maass, [Socialist Worker](#), Nov. 25, 2014